

ارزیابی عملکرد تجاری اقتصاد غیرنفتی ایران

با تأکید بر بخش کشاورزی

● مهندس قادر دشتی

وجود ۳۲ میلیون هکتار زمین مناسب برای فعالیتهای کشاورزی، ریزش حدود ۳۸۰ میلیارد متر مکعب نزولات جوی، برخورداری از ۱۲ میلیون هکتار مناطق جنگلی و ۹۰ میلیون هکتار انواع مراتع و در نهایت بهره‌مند بودن از قریب به ۲۵۰۰ کیلومتر ساحل در جنوب و شمال کشور و استحصال ۴۰۰ هزار تن ماهی و خاویار، جملگی حکایت از موقعیت و قابلیت‌های نسبتاً بالای منابع طبیعی کشور برای ایفای نقش در گسترش صادرات غیرنفتی دارند.

با توجه به حجم عظیمی از انواع منابع طبیعی احیا شونده و نیز منابع تجدیدناپذیر مثل انواع معادن در کشور ایران، می‌توان ادعا نمود که بخش قابل توجهی از اشتغال و تولید در بخشهای کشاورزی و صنعت با بهره‌گیری از منابع فوق‌میسر شده و در طول زمان رونق یافته است. لذا با تکیه بر منابع فوق، می‌توان بنیانهای اقتصاد غیرنفتی کشور را محکمتر نمود. اگر چه در طی سالیان گذشته از منابع فوق به اشکال گوناگون بهره‌برداری شده است، اما متأسفانه در بسیاری از موارد رفتار غیردوستانه با طبیعت و بهره‌برداری بیش از حد مجاز اقتصادی، آینده این منابع را در هاله‌ای از ابهام فرو برده است.

اقتصاد بدون نفت ایران

در طی دهه‌های قبل، اقتصاد ایران همواره

دولتها به صدور فراورده‌های غیرنفتی است. زیرا این قبیل کالاها در مقایسه با مواد نفتی، اولاً، توان ایجاد ارزش افزوده بیشتری در کشور صادرکننده را دارا هستند و دیگر اینکه، این محصولات به عنوان یک منبع مستمر و دایمی صادرات، تلقی می‌شوند.

با عنایت به اهمیت و سهم بالای محصولات کشاورزی در صادرات غیرنفتی ایران، در مقاله حاضر با نگاهی گذرا به امکانات طبیعی کشور، صادرات فراورده‌های غیرنفتی با تأکید خاص بر تولیدات کشاورزی و روستایی در طی سالهای بعد از پیروزی انقلاب، مورد ارزیابی قرار گرفته، سپس با شناسایی عوامل و تنگناهای توسعه صادرات غیرنفتی، راهکارهایی برای بهبود و گسترش آن ارائه شده است.

منابع طبیعی تجدیدپذیر ایران

وجود منابع طبیعی تجدیدپذیر و نیز منابع انسانی مستعد و زحمتکش از جمله عواملی هستند که می‌توانند ایران را در زمره کشورهای پیشرفته قرار دهند، لیکن نارساییها و عدم تعادل‌های متعددی سبب شده‌اند که هنوز آثار و عوارض توسعه نیافتگی در کشور مشهود باشد. در هر حال نگاهی اجمالی به منابع طبیعی غیرنفتی ایران، نمایانگر موقعیت و جایگاه ممتاز کشور در این زمینه می‌باشد.

مقدمه

متخصصان توسعه بر این باورند که میزان بهره‌مندی از عوامل و منابع تولید و نیز چگونگی استفاده از آنها، نقش مهم و انکارناپذیری در فرایند توسعه و سازندگی جوامع داشته است. تجربه نشان داده است که اغلب کشورهای صنعتی و به اصطلاح "توسعه یافته" کنونی، رشد و توسعه خود را با بهره‌گیری از منابع طبیعی و فعالیتهای مرتبط با آن شروع کرده‌اند. این قبیل جوامع ضمن تولید و تأمین احتیاجات خود، مازاد تولیداتشان را به سایر کشورها صادر کرده و از این طریق به روند توسعه خویش شتاب بیشتری بخشیده‌اند.

سیری در تاریخچه معاملات و داد و ستدهای جوامع زمانهای گذشته، مؤید این مطلب می‌باشد که در دهه‌های دور تجارت محصولات مختلف، بویژه کالاهای کشاورزی از رونق امروزی برخوردار نبوده است. عواملی نظیر رشد و گسترش فن‌آوری و عدم انتقال آزاد آن، پراکنش نامتناسب منابع تولید در کشورهای گوناگون، اختلاف در شرایط اقلیمی و آب و هوایی و تفاوت در فرهنگ مصرفی مردم، در مجموع باعث شده است که کشورها به تجارت محصولات متعدد از جمله فراورده‌های کشاورزی روی آورند.

نظری بر وضعیت و ترکیب کالاهای صادراتی کشورهای مختلف، نشانگر وجود علاقه و تمایل

اقتصادی سنتی یا معیشتی بوده است. بارزترین ویژگی یک اقتصاد سنتی، محدودیت تولید می‌باشد. جهت پی بردن به دلیل محدودیت تولید باید به محورهای سه‌گانه اصلی آن در زمان مورد نظر توجه کرد. سه محور اصلی تولید عبارت‌اند از: "علم و فن"، "منابع طبیعی" و "سرمایه انسانی".

در جامعه سنتی، علم و فن وجود دارد، لیکن به واسطه فقدان ارتباطات مستمر و منسجم با مراکز علمی و تحقیقاتی داخلی و خارجی، گسترش و اعتلای آن کند و بطئی می‌باشد. منابع طبیعی در هر جامعه‌ای بر اساس میزان دانش و فن تعریف می‌شود. در واقع علم و فن است که می‌تواند امکان بهره‌برداری اصولی از منابع طبیعی را ممکن سازد. محور سوم تولید نیز بر درجه تواناییهای فکری، علمی، عملی و حرفه‌ای مردم یک جامعه در بهره‌گیری از منابع موجود تأکید دارد.

با عنایت به کمبودها و ضعفهای موجود در زمینه تولید تا قبل از پیدایش و رشد بخش نفت، کشور ایران به واسطه سکونت و اشتغال درصد چشمگیری از مردم در روستاها، یک کشور کشاورزی محسوب می‌گردید و اقتصاد آن تا حد زیادی وابسته به بخش کشاورزی بود. البته در آن موقعیت تولیدات بخش فوق نه تنها جوابگوی تقاضای جمعیت در حال رشد کشور بود، بلکه موازنه بازرگانی بخش کشاورزی نیز مثبت بوده است. به عبارت دیگر با وجود نوسان، سهم بخش کشاورزی و روستایی ایران در صادرات غیرنفتی، همواره قابل ملاحظه بوده است.

بدون لحاظ فراورده‌های نفتی، واژه "صادرات" در ذهن برخی از مردم کشور، تداعی کننده قالی، پوست، خشکبار، زعفران، خرما و کتیرا است. این اقلام بدون هیچ‌گونه تغییر تا چند دهه صادرات غیرنفتی کشور را تشکیل می‌دادند. اما بعدها متقاضیان میوه‌های مرغوب ایران در آن سوی مرزها، میوه و سبزی را بر فهرست کالاهای صادراتی کشور اضافه کردند.

در دو دهه اخیر که فروپاشی نظام کمونیستی دگرگونیهای عمده‌ای را در عرصه جهانی به همراه داشته است، جمهوری اسلامی ایران با در پیش

گرفتن راه توسعه، رهایی از اقتصاد تک محصولی و وابسته به نفت و دستیابی به صادرات غیرنفتی و حضور در بازارهای جهانی را به یکی از اهداف عمده خود مبدل کرده است. از این رو همه ساله مقادیر معتدبیهی از فراورده‌های کشاورزی، روستایی، صنعتی و معدنی به خارج از کشور صادر می‌شود. با وجود این، به رغم تدابیر اتخاذ شده، درآمد حاصل از صدور این کالاها در مقایسه با فراورده‌های نفتی، رقم نازلی را تشکیل می‌دهد.

ارزیابی صادرات غیرنفتی ایران

ترکیب و ارزش صادرات غیرنفتی ایران در سالهای بعد از انقلاب به شرح زیر مورد بررسی واقع می‌شود:

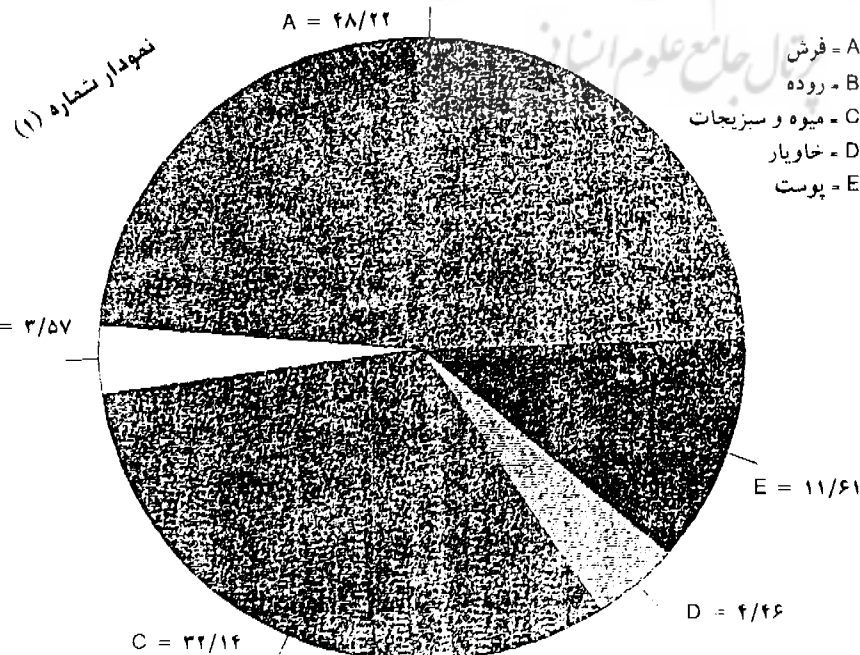
الف - از زمان پیروزی انقلاب تا پایان جنگ تحمیلی

همان طوری که قبلاً عنوان شد، در طی دهه‌های گذشته اقتصاد ایران بیشتر بر فعالیتهای کشاورزی تکیه داشته است و بر همین اساس تراز پرداختهای خارجی کشاورزی تا پایان دهه ۴۰ هنوز مثبت بوده و در سالهای دهه ۵۰ منفی شد. این موازنه منفی بعد از انقلاب تداوم داشته و واردات خالص به سرعت افزایش یافته است. ارزش صادرات غیرنفتی و سهم بخشهای

عمده اقتصاد کشور در طی سالهای ۵۸-۱۳۶۷ در جدول شماره (۱) نشان داده شده است. تحلیل ارقام جدول فوق نشان می‌دهد که اولاً ارزش صادرات غیرنفتی ایران به رغم برخورداری از نوسان قابل ملاحظه، در مجموع روند صعودی داشته است. البته باید در دوره زمانی مذکور با شرایط خاص کشور یعنی پیروزی انقلاب، شروع جنگ تحمیلی و تحریمهای اعمال شده علیه ایران توجه نمود. ثانیاً، سهم صادرات کشاورزی در مقایسه با سایر بخشهای اقتصادی به نحو کاملاً بارزی بالاتر بوده است.

تحلیل ترکیب صادرات غیرنفتی در زمان فوق و دقت در ارقام مربوطه، نکات قابل تأملی را فراروی مسئولان و دست اندرکاران اقتصاد ایران قرار می‌دهد. به طور کلی، مجموع ارزش صادرات غیرنفتی ایران در دهه ساله ۵۸-۱۳۶۷ حدود ۶ میلیارد دلار بوده است که ۹۴ درصد آن (۵/۶ میلیارد دلار) از محل صدور پنج قلم عمده یعنی فرش، میوه و سبزیجات، پوست، خاویار و روده به دست آمده است. (نمودار شماره ۱)

تأمل در اطلاعات فوق نشاندهنده این است که صادرات غیرنفتی ایران در اساس متکی بر تولیدات بخش سنتی کشور است. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد حوزه صادرات غیرنفتی کشور، عمدتاً مدیون صدور زحمات و تلاشهای شبانه‌روزی و طاقت‌فرسای حجم وسیعی از نیروی



کار قانع و زحمتکش کشور است که بیشتر از قشر محروم و آسیب پذیر جامعه هستند و کمتر بر دستاوردهای علمی و فنی مدرن بشری متکی می باشند.

بر اساس اطلاعات مذکور، صادرات غیرنفتی سرانه هر ایرانی در طی سالهای ۱۳۶۷-۵۸ فقط حدود ۱۳۵ دلار بوده، در حالی که واردات سرانه در همان دوره ۳ هزار دلار بوده است که از این رقم حدود ۴۴۵ دلار آن فقط به واردات کالاهای حیاتی و ضروری زندگی نظیر غلات، گوشت، دارو و لوازم پزشکی اختصاص یافته است. به عبارت دیگر با وجود تمامی نکات مثبت در زمینه مردم و تاریخ آن و به رغم شیوه زندگی در قرن دانش و فن، قرنی که طی آن بشر توانسته است نیروهای طبیعی را تسخیر و به فرمان خویش درآورد، هنوز قادر به تأمین غذای روزانه جمعیت نسبتاً محدود، لیکن در حال رشد خود بدون توسل به فروش ثروت ملی کشور (ذخایر نفت) نیست. این معضل یکی از سؤال برانگیزترین و نگران کننده ترین مسائل اقتصادی کشور در طول دوران گذشته بوده است.

ب - برنامه پنجساله اول توسعه

با پایان جنگ تحمیلی و شروع برنامه های سازندگی در کشور و همچنین تدوین برنامه پنجساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، اهمیت خاصی برای توسعه و گسترش صادرات غیرنفتی منظور گردید. اهداف کمی برنامه اول به تفکیک بخشهای مختلف و نیز سالهای مورد نظر در جدول شماره (۲) آورده شده است. ارقام جدول بیانگر آن است که ارزش صادرات کالاهای غیرنفتی در نخستین برنامه توسعه بالغ بر ۱۷/۸ میلیارد دلار پیش بینی شده بود. از میان بخشهای مختلف اقتصاد کشور بیشترین سهم به ترتیب به کالاهای صنعتی، فرش و کالاهای کشاورزی اختصاص یافته است. با این تصور که همه ساله مقادیر صادرات کالاهای مختلف افزایش خواهد یافت.

با اتمام برنامه پنجساله اول، مطالعه نتایج به دست آمده و به عبارتی مقایسه مقادیر پیش بینی

شده و تحقق یافته در دوره زمانی مورد نظر، دارای نکات قابل تأملی می باشد.

اولاً، مجموع ارزش صادرات غیرنفتی در برنامه اول حدود ۱۱/۶ میلیارد دلار می باشد که نسبت به رقم پیش بینی شده، حدود ۳۵ درصد کاهش را نشان می دهد.

ثانیاً، به رغم اینکه صادرات کالاهای صنعتی سیر صعودی داشته است، لیکن در هیچ سالی، هدف برنامه تحقق نیافته و تفاوت میزان پیش بینی شده با عملکرد، بسیار بالا می باشد.

ثالثاً، فرآورده های کشاورزی و فرش همچون سالهای قبل از اجرای برنامه، سهم بسیاری بالایی از کل صادرات غیرنفتی را به خود اختصاص داده اند. ضمن اینکه در مجموع میزان صادرات این کالاها از مقادیر پیش بینی شده بیشتر بوده است.

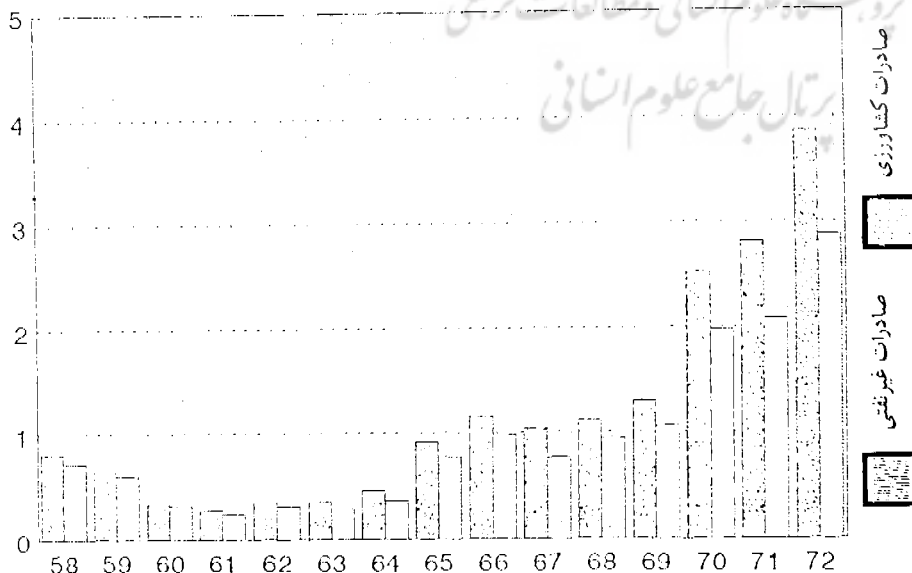
نمودار شماره (۲) ارزش کل صادرات غیرنفتی و صادرات محصولات کشاورزی را در طی سالهای بعد از پیروزی انقلاب تا پایان برنامه اول توسعه نشان می دهد. این نمودار مؤید این نکته است که ارتباط مستقیمی بین نوسان صادرات کشاورزی و محصولات غیرنفتی وجود

دارد. به عبارتی افزایش صادرات محصولات کشاورزی همواره موجب شده است تا کل صادرات غیرنفتی به طرز ملموسی اضافه شود، زیرا درصد عظیمی از صادرات فرآورده های غیرنفتی را محصولات کشاورزی به خود اختصاص می دهند.

ج - برنامه پنجساله دوم توسعه

در برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، برای صادرات غیرنفتی در سالهای ۷۴-۱۳۷۸ یک هدف کمی ۲۷/۵ میلیارد دلاری در نظر گرفته شد. میانگین رشد صادرات غیرنفتی طی سالهای برنامه ۸/۴ درصد تعیین شد. با در نظر گرفتن درصد تحقق اهداف صادرات غیرنفتی برنامه اول، معلوم می شود که ارزش صادرات در طول برنامه دوم، باید حدود ۱۳۵ درصد افزایش یابد تا هدف تعیین شده تحقق پذیرد.

مهمترین خط مشیهای تعیین شده برای تحقق هدفهای برنامه دوم، عبارت اند از:
- اصلاح قانون صادرات و واردات،
- اتخاذ سیاستهای ارزی جهت افزایش ارزش افزوده صنایع تبدیلی



نمودار شماره (۲): ارزش کل صادرات غیرنفتی و کشاورزی ایران طی سالهای ۷۲ تا ۱۳۵۸

وجود ۳۲ میلیون هکتار زمین مناسب برای فعالیتهای کشاورزی، ریزش حدود ۳۸۰ میلیارد متر مکعب نزولات جوی، برخورداری از ۱۲ میلیون هکتار مناطق جنگلی و ۹۰ میلیون هکتار انواع مراتع و در نهایت بهره‌مند بودن از قریب به ۲۵۰۰ کیلومتر ساحل در جنوب و شمال کشور و استحصال ۴۰۰ هزار تن ماهی و خاویار، جملگی حکایت از موقعیت و قابلیت‌های نسبتاً بالای منابع طبیعی کشور برای ایفای نقش در گسترش صادرات غیرنفتی دارند.

در طی دهه‌های قبل، اقتصاد ایران همواره اقتصادی سنتی یا معیشتی بوده است. بارزترین ویژگی یک اقتصاد سنتی، محدودیت تولید می‌باشد. جهت پی بردن به دلیل محدودیت تولید باید به محورهای سه گانه اصلی آن در زمان مورد نظر توجه کرد. سه محور اصلی تولید عبارت‌اند از: "علم و فن"، "منابع طبیعی" و "سرمایه انسانی".

صادرات غیرنفتی سرانه هر ایرانی در طی سالهای ۵۸-۱۳۶۷ فقط حدود ۱۳۵ دلار بوده، در حالی که واردات سرانه در همان دوره ۳ هزار دلار بوده است که از این رقم حدود ۴۴۵ دلار آن فقط به واردات کالاهای حیاتی و ضروری زندگی نظیر غلات، گوشت، دارو و لوازم پزشکی اختصاص یافته است.

ارزش صادرات سالانه در هر یک از سالهای برنامه، ۵/۵ میلیارد دلار پیش بینی شده باشد، در مدت سه سال ۷۴-۱۳۷۶ به طور متوسط بالغ بر ۴۰ درصد از اهداف صادرات غیرنفتی برنامه در عمل تحقق پیدا نکرده است.

عوامل کند کننده یا بازدارنده توسعه صادرات غیرنفتی

مطالعه و تحلیل صادرات غیرنفتی در طول برنامه‌های اول و دوم توسعه نشان می‌دهد که از تمامی پتانسیلها و قابلیت‌های موجود، برای افزایش صادرات محصولات غیرنفتی استفاده نشده و لذا اهداف کمی برنامه‌ها به صورت کامل تحقق نیافته است. عوامل کند کننده و بازدارنده توسعه صادرات غیرنفتی کشور را می‌توان از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی و کنکاش قرار داد. البته برطرف کردن پاره‌ای از این معضلات و نارساییها در کوتاه مدت میسر بوده است، لیکن رفع سایر مشکلات نیازمند تغییرات ساختاری در اقتصاد کشور و سرمایه‌گذارهای بنیانی در بخشها و رشته‌هایی است که می‌توانند به افزایش درآمدهای صادراتی و دستیابی به بازارهای جدید منجر شوند. در ساده‌ترین تحلیل می‌توان مشکلات صادرات غیرنفتی را به دو گروه طبقه بندی کرد.

- تقویت بانک توسعه صادرات
- تعیین حدود و میزان فعالیتهای بخش خصوصی، تعاونی و دولتی
- نظارت و ارزیابی مستمر بر امور صادرات
- اتخاذ سیاستهای اعتباری و مالیاتی مناسب
- منسجم نمودن تشکیلات موجود در امور صادرات زیر نظر یک کمیته عالی (تشکیل شورای عالی توسعه صادرات غیرنفتی)
- استفاده مؤثر از مناطق آزاد تجاری برای توسعه صادرات
- برقراری مشوقهای صادراتی در صورت لزوم
- بازرینی شرح وظایف سازمانهای مرتبط با صادرات
- حذف اقدامهای موازی و کاهش بوروکراسی
با وجود تعیین راهکارهای مشخص و به‌کارگیری تدابیر مناسب برای نیل به اهداف برنامه، نگاهی به عملکرد صادراتی کشور در سه سال اول برنامه دوم، بیانگر آن است که ارزش صادرات غیرنفتی ایران در سال ۱۳۷۴ به رقم ۲۲۲۴ میلیون دلار رسید که نسبت به سال ۱۳۷۳ معادل ۳۴ درصد کاهش نشان می‌دهد.
طبق گزارشهای رسمی ارزش صادرات غیرنفتی در سال ۱۳۷۵ مساوی رقم سال ۷۴ و در سال ۷۶، ۳، ۷۶ میلیارد دلار بوده است. بنابراین، در مدت سه ساله ۷۴-۱۳۷۶ حدود ۹/۵ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی وجود داشته است. اگر میانگین

جدول شماره (۱): ارزش صادرات غیرنفتی و سهم هر یک از بخشهای عمده اقتصاد کشور

سال	ارزش (میلیون دلار)	کشاورزی (درصد)	صنعت (درصد)	خدمات (درصد)
۱۳۵۸	۸۱۲	۸۹	۸	۳
۱۳۵۹	۶۴۵	۹۳	۳/۷	۳/۳
۱۳۶۰	۳۴۰	۹۵	۳	۲
۱۳۶۱	۲۸۴	۹۰	۷/۵	۲/۵
۱۳۶۲	۳۵۷	۸۹	۷	۴
۱۳۶۳	۳۶۱	۸۲	۷/۶	۱۰/۲
۱۳۶۴	۴۶۵	۸۰	۱۴	۶
۱۳۶۵	۹۱۶	۸۵	۱۲	۳
۱۳۶۶	۱۱۶۱	۸۵	۱۱/۴	۳/۶
۱۳۶۷	۱۰۳۶	۷۴	۲۲	۳

ماخذ: منبع شماره ۳

۱- مشکلات درون مرزی صادرات همچون عدم پیروی از یک خط مشی صادراتی ثابت، عدم هماهنگی مؤسسات صادراتی و تشریفات زائد اداری، کمبود نقدینگی برای تداوم فعالیتهای صادراتی، عدم انطباق کیفیت پاره‌ای از کالاها با نیازهای بازارهای مصرفی، توجه به منافع کوتاه مدت مصرف‌کننده داخلی، تخصیص اعتبار یا کمبود آن برای اجرای مشوقهای صادراتی، عدم توجه کافی به آموزش، کمبود کادر متخصص در مرکز توسعه صادرات، بی‌توجهی به اهمیت بسته‌بندی و بازاریابی محصولات، مشکلات مربوط به اخذ عوارض از صادرکنندگان، عدم نوآوری و ابتکار و کم‌توجهی به تحقیق و توسعه، عدم استفاده مؤثر از مناطق آزاد تجاری و ضعف تشکلهای صادراتی، عدم توجه کافی به صادرات خدمات، بی‌ثباتی نرخ ارز و کمبود سرمایه‌گذاری برای توسعه صادرات.

۲- مشکلات برون مرزی صادرات شامل مسائل و مشکلاتی که رفع آنها از طریق فعالیتهای داخلی میسر می‌باشد و همچنین معضلات و مشکلاتی که حل آنها منوط به همکاری سایر کشورها و طرفهای تجاری می‌باشد. در هر حال، مهمترین عوامل بیرونی عبارتند از: موانع غیرتعرفه‌ای، عدم استفاده

بدون شک یکی از مهمترین و ممکن‌ترین راههای رشد و توسعه در مسیر صادرات کالاهای غیرنفتی، توجه به صدور کالاهای کشاورزی و فراورده‌های روستایی و صنایع دستی است که اولاً، از حداقل ارزش بر خوردار می‌باشد، ثانیاً توان ایجاد محصولات تبدیلی را داشته و از ضریب ارزش افزوده ناشی از تبدیل بسته‌بندی به نسبت بالایی برخوردار است. علاوه بر این در بیشتر موارد در مقایسه با محصولات صنعتی و معدنی، دارای مزیت نسبی چشمگیری است.

اجتماعی خود را در گرو صادرات پرتلاطم و متحول یک محصول قرار دهد. پس راه عقلایی این است که اولویتهای صادراتی تعیین و سپس متناسب با امکانات بالقوه و بالفعل به حل معضلات پرداخته شود.

همان‌گونه که بررسی آمار و ترکیب صادرات غیرنفتی کشور نشان می‌دهد، بدون شک یکی از مهمترین و ممکن‌ترین راههای رشد و توسعه در مسیر صادرات کالاهای غیرنفتی، توجه به صدور کالاهای کشاورزی و فراورده‌های روستایی و صنایع دستی است که اولاً، از حداقل ارزش بر خوردار می‌باشد، ثانیاً توان ایجاد محصولات تبدیلی را داشته و از ضریب ارزش افزوده ناشی از تبدیل و بسته‌بندی به نسبت بالایی برخوردار است. علاوه بر این در بیشتر موارد در مقایسه با محصولات صنعتی و معدنی، دارای مزیت نسبی

کامل از امتیازات ترجیحی، تشدید رقابت در بازارهای بین‌المللی، عدم استفاده از تجربه‌های صادراتی کشورهای موفق، ناآشنایی با مقررات صادرات، عدم اطلاع کافی از تحولات بازارها و ضعف سیستمهای اطلاع‌رسانی، عدم ارتباط با سازمانهای بازرگانی بین‌المللی، عدم استفاده مؤثر و سازمان یافته از نمایشگاهها، ناکافی بودن دفاتر نمایندگی بازرگانی و تمرکزگرایی در صادرات و اتکا به بازارهای محدود و در نهایت ضعف در تبلیغات.

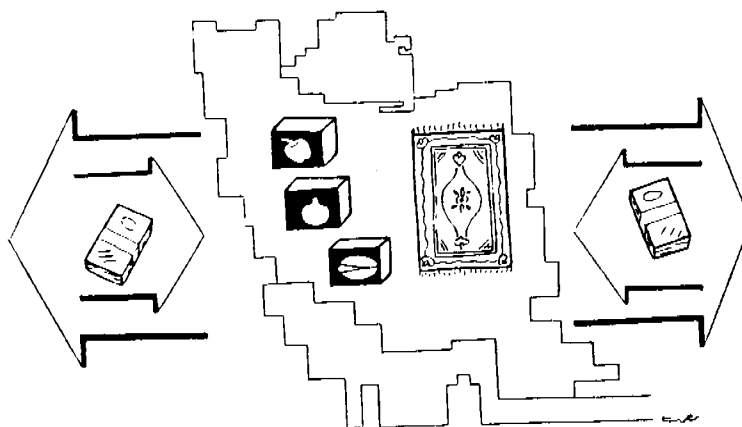
جمع بندی و پیشنهادها

اکنون این اعتقاد همگانی وجود دارد که ایران نمی‌تواند بیش از این منگی به صدور نفت که در اساس یک منبع تجدید ناپذیر به شمار می‌رود، باشد و همه حیات اقتصادی، سیاسی و

جدول شماره (۲): اهداف کمی صادرات غیرنفتی و میزان تحقق آن در برنامه پنجساله اول توسعه کشور

عنوان	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	درصد تحقق	
						جمع دوره	درصد تحقق
کالاهای کشاورزی	پیش بینی	۴۸۲/۵	۵۵۱/۵	۶۰۳/۶	۶۵۹/۹	۷۲۲/۵	۱۱۷/۸
	عملکرد	۵۲۷	۵۸۱/۶	۷۲۲/۷	۸۰۱/۰	۹۰۱	۳۵۶۲/۳
فروش و صنایع دستی	پیش بینی	۴۲۰	۵۸۸	۸۲۳	۱۱۵۲	۱۲۱۷	۱۰۹/۰
	عملکرد	۳۵۳	۴۸۲/۷	۱۲۲۴/۵	۱۲۸۷	۱۴۵۴	۴۸۰۱/۳
کالاهای صنعتی	پیش بینی	۷۴۹	۱۰۲۸	۱۴۲۰	۲۰۴۳	۳۷۴۰	۲۶/۹
	عملکرد	۱۲۲۴/۴	۱۶۳/۴	۵۰۰	۶۷۳/۵	۹۶۰	۲۴۲۱/۳
کالاهای معدنی	پیش بینی	۸۳	۲۰۶	۲۶۰	۳۶۰	۳۹۱	۱۶/۷
	عملکرد	۴۶/۲	۷۵/۵	۲۶/۸	۴۴/۳	۲۵	۲۱۷/۸
سایر کالاها	پیش بینی	۳	۱۰	۲۳	۳۳	۴۳	۵۴۱/۰
	عملکرد	۷۰/۹	-	۲۰	-	-	۶۰۶/۹
کل صادرات غیرنفتی	پیش بینی	۱۷۳۹/۵	۲۳۸۳/۵	۳۱۲۹/۶	۴۲۴۷/۹	۶۳۱۵/۵	۶۵/۲
	عملکرد	۱۱۲۱/۵	۱۳۰۳/۳	۲۵/۲	۲۸۱۵/۸	۳۸۶۵	۱۱۶۰۹/۶

منابع: شماره ۶ و ۷



اعتباری و جبران کمبود نقدینگی متقاضیان یا صادرکنندگانی که در زمینه احداث کارخانه‌های بسته‌بندی، صنایع نگهداری و تبدیلی مشغول فعالیت یا متقاضی فعالیت هستند.

- در نظر گرفتن مشوقهای صادراتی مناسب می‌تواند به رونق صادرات کمک نماید. مثلاً اعطای جوایز مستقیم به صادرکنندگان ممکن است کشورهای دیگر را نسبت به جبران این گونه تسهیلات برانگیزد، لذا اعطای تشویقها و جوایز به صورت غیرمستقیم احتمالاً کاراتر خواهد بود.

منابع و ماخذ

- ۱- اخوی، احمد، "اقتصاد کلان"، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۴.
- ۲- سلطانی، غلامرضا و بهاءالدین نجفی، "اقتصاد کشاورزی"، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳.
- ۳- عظیمی، حسین، "مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران"، نشر نی، ۱۳۷۴.
- ۴- موسی نژاد، محمدقلی، "اقتصاد منابع طبیعی"، (جزوه درسی)، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۲.
- ۵- "اقتصاد بدون نفت"، روزنامه اطلاعات، شماره ۲۱۰۳۶، ۱۳۷۶.
- ۶- "تدوین قوانین مناسب استاندارد کالا و ..."، روزنامه کیهان، شماره ۱۶۰۷۷، ۱۳۷۶.
- ۷- "صادرات غیرنفتی"، روزنامه همشهری، شماره ۱۳۹۳، ۱۳۷۶.
- ۸- فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ویژه نامه امنیت غذایی وزارت کشاورزی، ۱۳۷۳.
- ۹- "مجموعه مقالات اولین کنفرانس اقتصاد کشاورزی"، دانشکده کشاورزی زابل، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۷۵.
- ۱۰- نامه اتاق بازرگانی، نشریه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، ۱۳۷۲.

می‌توان با ارائه امکانات لازم به اتحادیه‌های صادرکنندگان واگذار نمود.

- توجه به عملیات و خدمات بازاریابی محصولات (بازاریابی) و بازاریاب‌ها نمودن آن، ضمن جلوگیری از ضایعات بیشتر، موجب جلب متقاضیان جدید می‌شود. از این رو بسته‌بندی مناسب و رعایت استاندارد وسیله مناسبی برای تبلیغ محسوب می‌شود.

- تثبیت نرخ ارز، عامل مهمی در گسترش فعالیتهای صادراتی به شمار می‌رود. نظر به اینکه در فعالیتهای تجاری موفقیت در آینده‌نگری است، لذا تثبیت نرخ ارز حداقل برای مدت یک سال صادرکنندگان را در برابر تغییرات شدید نرخ ارز بیمه می‌نماید.

منسجم و کارا نمودن تشکیلات و مؤسسه‌های صادراتی و ایجاد امکانات صادراتی برای صادرکنندگان کالاها و استفاده از افراد متخصص و آشنا به مقررات تجارت بین‌الملل در مراکز مورد نظر به طور قطع بسیاری از معضلات و نارسیبیهای صادراتی را از بین خواهد بود.

در این زمینه با احداث پایانه‌های صادراتی در مبادی خروجی تصور می‌رود اکثر مشکلات و پراکنده‌کاریهای ناشی از مراجع و مراکز متعدد تصمیم‌گیری صادرکنندگان، حل شود.

- ارتباط با سازمانهای تجاری بین‌المللی و کسب اطلاع از وضعیت بازارهای جهانی محصولات مختلف از جمله فرآورده‌هایی که کشور ایران در زمینه صادرات آنها رقابت نزدیکی با سایرین دارد، در گسترش صادرات می‌تواند کارساز باشد.

- گسترش سرمایه‌گذاری و اعطای تسهیلات

چشمگیری است.

بر اساس بهره‌مندی از چنین شایستگی‌هایی، بخش کشاورزی در برنامه دوم به عنوان محور توسعه معرفی شد. البته محوریت بخش کشاورزی به مفهوم عدم توجه به تقویت و توسعه صنعت نمی‌باشد، بلکه استراتژی توسعه موزون بر این امر تأکید دارد که جوامع در حال توسعه باید به طور همزمان به توسعه بخشهای کشاورزی و صنعت همت گمارند، لیکن صناعی که در درجه اول به شکوفایی و اعتلای بخش کشاورزی کمک نمایند، از اولویت برخوردارند.

خوشبختانه امکان و توان افزایش تولید و توسعه صادرات محصولات غیرنفتی (نظیر کالاهای سنتی، فرش-کالاهایی که در تولید آنها از مزیت آب و هوایی بهره‌مند هستیم - پسته، مرکبات و زعفران و محصولات حاشیه‌ای که دیگران از تولید آن چشم پوشیده‌اند) در کشور وجود دارد که اغلب در تولید آنها از برتری نسبی برخوردار می‌باشیم. لذا در موقعیتی که صحبت از الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت (WTO) می‌باشد، توجه به این امر، مهم و تعیین‌کننده می‌باشد. بدین منظور تلاش برای برطرف نمودن یا کاهش مشکلات صادرات غیرنفتی قطعاً به بهبود و گسترش زمینه صادراتی و رخنه در بازارهای جهانی کمک خواهد کرد. در این مورد، توجه به راهکارها و پیشنهادها زیر می‌تواند کارساز واقع شود:

- تدوین و تثبیت قوانین و مقررات صادراتی و حذف تشریفات زائد اداری که مانع از توسعه صادرات می‌شوند.

در این زمینه مسئولیتهای عمیقتر و مؤثرتر را